

سورة الاحقاف

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: [nasimekosar.blog.ir](http://nasimekosar.blog.ir)

ایمیل: [nasimkosar1399@gmail.com](mailto:nasimkosar1399@gmail.com)

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲

## راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، ( بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.

## اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،  
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،  
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه  
المصطفی العالمیه. قم

## فهرست مطالب

۷	قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در تعزیرات
۱۹	سعادت انسان در اندیشه امام سجاد(ع)
۴۷	بررسی معجزه از دیدگاه دیوید هیوم و نقد آن
۶۵	آزادی سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره) و فارابی
۸۳	اقدامات اقتصادی امام حسن عسکری(ع) جهت کسب درآمد
۱۰۵	فوائد فلسفه فقه
۱۲۱	راهکارهای گسترش حجاب در جامعه
۱۴۵	عوامل تهدید بنیان خانواده در قرآن و روایات
۱۶۹	مسئولیت کیفری اطفال در قوانین ایران، افغانستان و اسناد بین الملل
۱۸۵	آزادی، انواع و حدود آن از دیدگاه اسلام و اندیشمندان اسلامی
۲۲۵	غلبه دین حق بر تمام ادیان
۲۴۹	جریان شناسی تفسیر عرفانی در اندلس

## مسئولیت کیفری اطفال در قوانین ایران، افغانستان و اسناد بین الملل

محمد عطایی<sup>۱</sup>

چکیده

مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان از موضوعاتی مهمی است که در سال‌های گذشته توجه افکار عموم و بسیاری از دانشمندان حقوق را به خود جلب نموده است. پس مطالعه و بررسی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوان در هر کشوری یک امر ضروری است. بنابراین در پژوهش حاضر مسئولیت کیفری اطفال و نوجوان با توجه به کود جزا و قانون رسیدگی تخلفات اطفال افغانستان و قانون مجازات اسلامی ایران بررسی گردیده. همچنین با تصویب قانون "حمایت از کودکان و نوجوانان" در کشور ایران و قانون "رسیدگی به تخلفات اطفال" در کشور افغانستان نشانه‌های از پذیرش سیاست کیفری افتراقی در برخورد با جرایم علیه اطفال در حقوق کیفری ایران و افغانستان، نمایان گردیده است. قوانین جزایی برخی اشخاص را غیر مسئول می‌شناسد و در صورتی که مرتکب عمل مجرمان‌های هم شده باشند از نظر جزایی مسئول قلمداد نمی‌کنند. مرتکب بایستی از نظر جزایی کبیره بوده و مجنون نباشد.

**کلید واژگان:** مسئولیت کیفری، نوجوان، بلوغ، طفل، تخلفات و بزهکار

۱ ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم

## ۱. مقدمه

قواعد و مقررات کیفری، جزء قواعد آمره و رعایت آن یک امر الزامی بوده و مربوط به حفظ نظم و امنیت و آسایش عمومی جامعه است. چنانکه دولت به عنوان نماینده مردم عهده دار برقراری نظم، امنیت و آسایش مردم است.

بنابراین ارتکاب جرم در شرایط عادی، اعم از این که به تنهایی عمل مجرمانه را انجام دهد و یا با همکاری دیگران، هم خود شخص هم شرکاء و معاونین آنان دارای مسئولیت کیفری خواهد بود. چنانکه در ماده ۸۴ کود جزا افغانستان آمده است « ۱- مسئولیت جزایی یک امر شخصی است. ۲- مسئولیت جزایی وقتی به وجود می‌آید که شخص به اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک مرتکب عملی گردد که قانون آن را جرم شناخته باشد». به عبارت دیگر برای این که بتوان از نظر جزایی کسی را مسئول دانست باید امکان انتساب خطا یا تقصیر به وی باشد. بنابراین اگر مجرمی به دلایل و عللی نتواند گناه مسئولیت خود را تحمل کند، در این شرایط جرم را نمی‌توان به مجرم نسبت داد، لذا مسئولیت او زایل می‌گردد. مثلاً کودکی که فعل مجرمان‌های را انجام می‌دهد به دلیل این که در محدوده سن مسئولیت پذیری قرار ندارند نمی‌توان بخاطر جرم انجام گرفته او را کیفر داد.

با تصویب قانون "حمایت از کودکان و نوجوانان" در ایران و قانون "رسیدگی به تخلفات اطفال" در افغانستان نشانه‌های از پذیرش سیاست کیفری افتراقی در برخورد با جرایم علیه اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران و افغانستان، نمایان می‌گردد. قوانینی که بر خلاف عناوین آن فقط با جرم انگاری برخی رفتارهای خاص در صدد حمایت کیفری ویژه از اطفال و نوجوانان بر آمده است و نیز برای اولین بار در کشور ایران و افغانستان اصطلاح "کودک آزاری" را وارد ادبیات حقوق این دو کشور نمود. سن بزه دیدگی را همگام با یافته‌های علمی و کنوانسیون حقوق کودک هجده سال تعیین نموده.

جرم انگاری اعمالی نظیر: هر گونه صدمه، اذیت، آزار، شکنجه جسمی و روحی کودکان، نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی کودکان، ممانعت

از تحصیل آن‌ها، هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به‌کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف، از نوآوره‌های دو قانون فوق به‌شمار می‌آید.

در مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان و اسناد سازمان بین‌الملل، هر کس با علم و اطلاع به قصد ارتکاب به جرم، عمل مجرمان‌های انجام دهد، لزوماً مجرم شناخته نمی‌شود. بلکه علاوه بر قصد مجرمانه باید دارای صفات و خصوصیات هم باشد که بتواند عمل مجرمان‌های را به او منتسب دانست. قوانین جزایی برخی اشخاص را غیر مسئول می‌شناسد و در صورتی که مرتکب عمل مجرمان‌های هم شده باشند از نظر جزایی مسئول قلمداد نمی‌کنند. (همان مأخذ ص ۳۰)

بدیهی است برای اینکه بتوان مرتکب را از نظر کیفری مسئول دانست باید ساختمان بدنی و فکری او به حد کمال رسیده باشد و قوای روحی او سالم بوده و به واسطه بروز حادثه وظایف اعضاء قوای مزبور مختل یا ضایع نشده باشد. به بیان دیگر مرتکب بایستی از نظر جزایی کبیره بوده و مجنون نباشد. با این توضیح معلوم می‌شود که مسئولیت، به کمال رشد جسمانی و فکری که به علت یک عامل داخلی مختل نشده باشد، اطلاق می‌گردد. البته رشد جسمانی و فکری ممکن است لزوماً با مسئولیت مترادف نباشد.

مثلاً در اسکاتلند که سن مسئولیت کیفری در میان پایین‌ترین موارد بررسی (یعنی ۸ سال)، قرار دارد، سیستم حضور افراد در محاکم به گونه‌ای طراحی شده است که از تماس نوجوان زیر ۱۶ سال (در واقع بسیاری از افراد ۱۶ تا ۱۷ سال) با محاکم رسمی قضایی مگر در مورد جرایم بسیار سنگین اجتناب می‌شود و به شکل بنیادی به راه‌حلی‌هایی غیر از سلب آزادی متهم‌گرایش دارد. در مقایسه در رومانی که سن مسئولیت کیفری از ۱۴ سالگی آغاز می‌شود کودکی که به آن سن رسیده باشد عملاً به دادگاه آورده شده و مانند بزرگسالان برای جرم مشابه ممکن است محکوم به حبس شود.



## ۲. مفهوم شناسی

### ۲-۱. مفهوم مسوولیت و مسؤولیت کیفری

مسوولیت در لغت به معنای مورد سوال و باز خواست کردن است و مسوولیت کیفری به معنای سوال از مجرم برای ارتکاب جرم است و در اصطلاح حقوقی به معنای ملزم شدن مجرم به تحمل نتایج قانونی است که بر ارتکاب جرم مترتب می‌باشد و منظور از نتایج همان مجازات و اقدامات تأمینی می‌باشد (عبید، ۱۹۹۸، ۱۱).

همچنین در تعریف مسوولیت آمده است که "مسوولیت عبارت است از رسیدن به حد کمال جسمی و فکری که علت یک عامل داخلی مختل نشده باشد، در حالی ممکن است رشد جسمی و فکری مرتکب الزاماً مترادف با مسوولیت نباشد (هوشنک شامبیاتی، ۱۳۹۲، ۲۱۱).

مسوولیت کیفری گاهی مبتنی بر خطا و تقصیر مرتکب است که مجازات را در پی دارد و گاهی مبتنی بر خطرناک بودن مجرم است که مستوجب اقدامات تأمینی خواهد بود. مسوولیت کیفری امری جدا از عناصر عمومی جرم (عنصر قانونی، مادی و معنوی) است. بنابراین شخص ممکن است جرمی را با همه عناصر آن انجام دهد اما مسوولیت کیفری نداشته باشد مثلاً طفل ممیزی که مرتکب سرقت می‌شود، عمل ربودن مال غیر را انجام داده است و عمل او از نظر قوانین جزایی، جرم است و ارادی نیز می‌باشد اما از آن جا که طفل، فاقد قدرت تشخیص است مسوولیت کیفری ندارد و در عمل انجام شده به عنوان جرم، نقصی وجود ندارد بلکه نقض، مربوط به مرتکب جرم است (عباس زراعت، ۱۳۸۵، ۲۲۱).

از دیدگاه اسلام بلوغ و عقل و علم و آگاهی، اراده آزاد و اختیار، هوشیاری و بیداری، مهم ترین شرط‌های تحقق مسوولیت کیفری هستند. بنابراین، انسان صغیر (طفل و کودکان)، مجنون و... هرگز مسوولیت کیفری نداشته و قابل مجازات نیستند. در مورد علت عدم مسوولیت کیفری طفل ممکن است گفته شود که رفتار این اشخاص رفتاری ارادی نیست، بنابراین همچون حیوانات که اراده ندارند فاقد مسوولیت کیفری هستند. همچنین ممکن است گفته شود که این اشخاص فاقد عنصر معنوی جرم هستند. لذا عملی که انجام می‌دهند به علت فقدان شرایط جرم، عمل

مجرمانه به حساب نمی‌آید. هر دو دیدگاه فوق قابل پذیرش نیست زیرا صغیر) اطفال و نوجوانان) نیز دارای اراده هستند اما اراده آنان با همراه با تمیز و تشخیص نیست و اصولاً قانونگذار اراده‌ی را معتبر می‌داند که همراه با تمیز و تشخیص باشد. قانونگذار افغانستان و ایران نیز ارتکاب جرم از سوی صغیر را ممکن می‌داند ( مواد ۸۸ و ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی، ماده ۸۸ و ۹۶ کود جزای افغانستان) به ارتکاب جرم از سوی اطفال و نوجوانان اشاره دارد. یعنی عملی که ایشان انجام می‌دهند، جرم است اما فاقد مسؤولیت کیفری هستند. در منابع شرعی نیز (مانند حدیث رفع قلم) مسؤولیت کیفری از دوش این اشخاص را برداشته‌اند.

## ۲-۲. مفهوم طفل و نوجوان

طفولیت از گذشته‌های بسیار دور، علتی برای رفع مسؤولیت کیفری شناخته شده است هرچند این دوران براساس زمان و مکان متغیر بوده است. حال ممکن است این سوال مطرح شود که به چه کسانی طفل اطلاق می‌شود؟ قوانین جزایی افغانستان و ایران که بر پایه فرض مسؤولیت بنا شده است، اطفال را به خاطر فقدان شعور و تمیز کامل معاف از مجازات میدانند.

قانون رسیدگی به تخلفات اطفال افغانستان در ماده ۴ بند ۱ مقرر می‌دارد که " طفل شخصی است که سن ۱۸ سالگی را تکمیل نکرده باشد". و هم چنان طفل را به سه دسته تقسیم کرده است.

طفل غیر ممیز: شخصی است که سن هفت سالگی را تکمیل نکرده باشد.

طفل ممیز: شخصی است که سن هفت سالگی را تکمیل و دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد.

طفل نوجوان: شخصی است که سن دوازده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نه کرده باشد.

کود جزای افغانستان نیز در ماده ۹۵، بیان کرده است که طفل به شخصی اطلاق می‌گردد که هجده سال را تکمیل نکرده باشد و در ماده ۹۶ این قانون بیان شده است که طفلی که ۱۲ سال را تکمیل نکرده باشد مسؤولیت جزایی و دعوای جزایی علیه وی اقامه نمی‌شود.

در ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی بیان گردیده است که افراد نابالغ فاقد مسئولیت جزایی هستند و نیز در ماده ۱۴۷ این قانون سن بلوغ مشخص گردیده است. چنانکه ماده مذکور مقرر می‌دارد "سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب نه تا پانزده سال تمام قمری است".

بنابراین در حقوق جزای افغانستان طفل غیر ممیز (اطفالی که ۷ سال) و طفل ممیز (اطفال که ۱۲ سال) را تکمیل نکرده‌اند، فاقد مسئولیت جزایی شناخته شده‌اند. اما اطفال نوجوانان دارای مسئولیت جزایی بوده و در صورت ارتکاب عمل مجرمانه مورد پیگیری قانونی قرار می‌گیرند، با این تفاوت که قانون مجازات اسلامی ایران دختران که ۹ سال و پسران ۱۵ سال قمری را تمام نکرده‌اند، فاقد مسئولیت جزایی می‌داند. لذا در حقوق جزای افغانستان اطفال زیر ۱۲ و در ایران دختران زیر ۹ سال و پسران زیر ۱۵ سال تمام قمری دارای مسئولیت جزایی نیستند.

### ۳-۲. مسوولیت کیفری اطفال و نوجوان در حقوق ایران و افغانستان

مشخص شد که بر اساس حدیث "رفع القلم"، و ماده ۹۶ کود جزای افغانستان اطفال زیر ۱۲ سال و نیز ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی دخترانی که ۹ سال و پسرانی که ۱۵ سال قمری را تمام نکرده باشند، مسئولیت کیفری نداشته و مورد مجازات قرار نمی‌گیرند اما طفل نوجوان که ۱۲ سال را تکمیل نموده باشند در حقوق جزای افغانستان دارای مسئولیت کیفری شناخته شده‌اند.

حال ممکن است این سوال مطرح شود، وقتی که کودکان مسئولیت کیفری ندارد باید حال خودش رها می‌شود؟ در جواب می‌توان گفت، عدم مسئولیت جزایی اطفال به این معنی نیست که آنان کاملاً رها شوند بلکه دادگاه با توجه به اوضاع و احوال، ممکن است طفل را به عهده سرپرست او بگذارد و چنانچه لازم بداند این وظیفه را به عهده کانون اصلاح و تربیت اطفال قرار دهد.

چنانکه قانونگذار افغانستان در ماده ۱۰۹ کود جزا، بیان می‌کند که هرگاه طفل مرتکب جنحه گردد، محکمه یکی از تدابیر احتیاطی را در برابر وی اتخاذ می‌کند.

الف- تسلیمی به والدین ب- حجز در منزل

ج- فرستادن به مؤسسه‌های خدمات اجتماعی

د- حجز در بخش باز و یا بسته مرکز اصلاح و تربیت و...

همچنین قانون گذار ایران در ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است که "در مورد افراد نابالغ، بر اساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود". بنابراین دادگاه براساس صلاح دید لازم اقدامات تأمینی و تربیتی را انجام می‌دهد.

قانون مجازات در ماده ۸۸ مقرر می‌دارد که؛ اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان. با ملاحظه مفاد این ماده ملاحظه می‌شود که:

اولاً- مقنن سن نوجوانی را از سن کودکی تفکیک نموده به نحوی که دختران در سن کمتر از ۱۲ سالگی طفل بوده و از ۱۲ سالگی به بعد نوجوان محسوب می‌شوند و لی پسران نیز تا ۱۵ سالگی طفل هستند چرا که سن بلوغ برای آنان ۱۵ سال تمام قمری تعیین شده است. مع هذا براین پسران از سن ۱۲ سالگی به بعد به عنوان "نوجوانی" اطلاق می‌گردد.

ثانیاً- اگر چنین اطفال و نوجوانانی مرتکب جرائم تعزیری شوند و معاف از مسؤولیت بوده و نمی‌توان آنان را محکوم نمود، بلکه در صورت ارتکاب جرم بایستی جهت تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق به والدین یا اولیاء و یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد کتبی تسلیم شوند. در صورتی که دادگاه تشخیص دهد که والدین یا اولیاء آن‌ها، صلاحیت تربیت و مواظبت از حسن اخلاق طفل یا نوجوان را ندارند یا محیط خانوادگی طفل به نحوی است که امکان تربیت او در آن امکان پذیر نمی‌باشد در این صورت، دادگاه می‌تواند آنان را به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری تسلیم نماید (هوشنگ شامیاتی، همان، ۲۶۰)

تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان

بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات (ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی).

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه

ت- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج از مواد کود جزای افغانستان و قانون مجازات اسلامی فوق نکات ذیل برداشته می شود:

مسأله بزهکاری اطفال دارای اهمیت بسزایی است؛ زیرا از یک طرف باید جامعه را از جرایم بزهکاران و نوجوان مصئون نگاه داشت و از طرف دیگر باید جهت اصلاح و تربیت اطفال بزهکار، اقدامات موثری به عمل آورد.

به موجب مواد ذیل اطفال بزهکار به سه دسته تقسیم می شوند:

الف- در کود جزای افغانستان اطفال کمتر از ۱۲ و در قانون مجازات اسلامی اطفال کمتر از ۹ سال شمسی مطلقاً فاقد مسوولیت کیفری می باشند و حسب اشعار ماده ۹۶ کود جزای افغانستان و ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی، اقدامات تأمینی و تربیتی در خصوص ایشان اعمال می گردد.

برخورد با اطفال و نوجوانانی که در زمان ارتکاب جرم در افغانستان زیر ۱۲ سال و ۱۲-۱۸ سال و در ایران ۹-۱۵ سال شمسی سن دارند با توجه به نوع جرم ارتكابی و سن دقیق متفاوت است .

در حقوق جزای افغانستان: اولاً؛ هرگاه طفل مرتکب قباحت گردد، محکمه می تواند به عوض حجز به وی اخطاریه صادر و یا او را به والدین، ممثل قانونی و یا سرپرست قانونی تسلیم نماید. در این حالت والدین، ممثل قانونی و یا سرپرست قانونی طفل مکلف است، حسن تربیت طفل را کتباً تعهد نماید. هرگاه والدین بنا بر دلایلی حسن تربیت را به عهده نگیرد، محکمه طفل را به یکی از مؤسسه های که به این منظور ایجاد گردیده، تسلیم مینماید (ماده ۱۱۲ کود جزای افغانستان. )

ثانیاً؛ هرگاه طفل مرتکب جنحه گردد، محکمه وی به ترتیب به سپردن به والدین،

حجز در منزل، فرستادن به مؤسسه‌های خدمات اجتماعی و حجز در بخش باز یا بسته مرکز اصلاح و تربیت اطفال، محکوم مینماید) ماده ۱۰۹ کود جزای افغانستان).

ثالثاً؛ هرگاه طفل مرتکب جنایت گردد، با توجه به سن آنان برخورد محکمه متفاوت خواهد بود: طفلی که ۱۲ سال را تکمیل اما ۱۶ سال را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جنایت به بیش از ربع حداکثر مجازات که برای عین جرم توسط بزرگ سالان تعیین گردیده، محکوم می‌شود. طفلی که ۱۶ سال را تکمیل اما ۱۸ سال را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جنایت به بیش از ثلث حداکثر مجازات که برای عین جرم توسط بزرگ سالان تعیین گردیده، محکوم می‌شود.

در حقوق جزای ایران: اولاً؛ در جرایم تعزیری اگر مرتکب ۹ تا ۱۲ ساله باشد، مشمول تصمیمات بند الف تا پ ماده فوق خواهند شد.

ثانیاً؛ در جرایم تعزیری، اگر مرتکب ۱۲-۱۵ ساله باشد، مشمول تصمیمات بند الف تا ث ماده فوق خواهد شد. تصمیمات بند ت و ث وفق تبصره ۱ به این گروه اختصاص دارد. اعمال بند ث نیز مختص اطفال و نوجوانانی است که مرتکب جرایم تعزیری درجه یک تا پنج شده‌اند.

ثالثاً؛ در جرایم مستوجب حد یا قصاص، مرتکب نابالغ ۹ تا ۱۲ سال قمری به یکی از اقدامات الف تا پ و ۱۲ تا ۱۵ سال قمری به یکی از اقدامات ت تا ث محکوم می‌شود.

در حقوق کیفری ایران، نوجوانانی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال شمسی دارند، بسته به ماهیت جرم ارتكابی مشمول یکی از واکنش‌ها می‌گردند:

اولاً؛ در جرایم تعزیری، بسته به درجات تعزیر اشخاص ۱۵ تا ۱۸ ساله به مجازات‌های بند الف تا ث ماده ۸۹ ق.م.ا محکوم می‌شوند.

ثانیاً؛ در جرایم مستوجب حد یا قصاص، اصل بر محکومیت بالغ کمتر از ۱۸ سال به مجازات مقرر در باب حدود و قصاص است؛ مگر در فرض مقرر در ماده ۹۱ ق.م.ا که در این صورت به جای مجازات‌های پیش بینی شده در قانون فوق محکوم می‌شوند.

۳- مفاد مواد ۹۱ و ۸۹ ق.م.ا. در مورد اطفال و نوجوانانی قابل اعمال است که

مرتکب جرم تعزیری گردیده‌اند و قانونگذار مبنای تعیین سن را بدون اینکه بین ذکور و اناث تفاوت قایل باشد، سال شمسی قرار داده است. این در حالی است که در ماده ۱۴۷ ق.م.ا. سن مسوولیت کیفری در ذکور ۱۵ سال تمام قمری، معادل ۱۴ سال و ۷ ماه شمسی و در اناث ۹ سال تمام قمری معادل ۸ سال و ۹ ماه شمسی، قرار داده شده است. بدین ترتیب اقدامات مقرر در این ماده نسبت به پسران صرفاً به عنوان اقدامات تأمینی و در ارتباط با دختران با توجه به مسوولیت کیفری کامل ایشان در این بازه سنی، نوعی مجازات تعدیل شده یا تبدیل شده به اقدامات تأمینی به صورت خاص است (شمس ناتری، ۱۳۹۲، ۳۰۳-۳۰۴).

پس بطور کل اشکال؛ که در ماده ۸۸ قانون مجازات وارد است اینکه؛ اولاً نه تا پانزده سال شمسی را بصورت عام گفته است که هم دختران و هم پسران را در بر می‌گیرد، در حالیکه فقه اسلام بین سن بلوغ دختران و پسران تفاوت قایل است. بناً دختران که سن بلوغشان ۹ سال است باید در این ماده ذکر می‌شد که در خصوص دختران اشخاص بالغ زیر ۱۵ سال هستند.

### ۳. مسوولیت کیفری اطفال در اسناد بین الملل

هر کس با علم و اطلاع به قصد ارتکاب به جرم، عمل مجرمان‌های انجام دهد، لزوماً مجرم شناخته نمی‌شود. بلکه علاوه بر قصد مجرمانه باید دارای صفات و خصوصیات هم باشد که بتواند عمل مجرمان‌های را به او منتسب دانست. قوانین جزایی برخی اشخاص را غیر مسؤل می‌شناسد و در صورتی که مرتکب عمل مجرمان‌های هم شده باشند از نظر جزایی مسؤل قلمداد نمی‌کنند. (همان مآخذه ص ۳۰)

بدیهی است برای اینکه بتوان مرتکب را از نظر کیفری مسؤل دانست باید ساختمان بدنی و فکری او به حد کمال رسیده باشد و قوای روحی او سالم بوده و به واسطه بروز حادثه وظایف اعضاء قوای مزبور مختل یا ضایع نشده باشد. به بیان دیگر مرتکب بایستی از نظر جزایی کبیره بوده و مجنون نباشد. با این توضیح معلوم می‌شود که مسوولیت، به کمال رشد جسمانی و فکری که به علت یک عامل داخلی مختل نشده

باشد، اطلاق می‌گردد. البته رشد جسمانی و فکری ممکن است لزوماً با مسئولیت مترادف نباشد. طرفداران مکتب نئوکلاسیک و مکتب تحقیقی در مبنای مسئولیت جزای مجرم اختلاف نظر دارند. در نظر طرفداران نظر نئوکلاسیک مسئولیت جزایی که از تصور قبلی مختار بودن انسان سرچشمه می‌گیرد قائل بر مسئولیت اخلاقی است در صورتی که مکتب تحقیقی تنها یک مسئولیت اجتماعی را متوجه مجرم می‌نماید. به عقیده فری مسئولیت مجرم یک مسئولیت قانونی است که به کلی متمایز و مستقل از عقیده باطل مختار بودن انسان است و نتیجه مسولیت قانونی، رهایی مجرم از هرگونه حس ملامت و ننگ است که هنوز جامه عمل نپوشیده است. زیرا مسئولیت قانونی در غالب کشورها و بیشتر موارد با احساس ننگ و بی‌آبرویی مرتکبان اعمال مجرمانه ملازمه دارد. (صانعی دکتر پرویز، همان مأخذ هصص ۵ تا ۳)

تمام این نظریه‌ها در باره مسئولیت نشان دهنده این مسئولیت است که به هر حال بعضی از افراد با وجود اینکه جرمی را مرتکب شده‌اند ولی عمل آنان قابل مجازات نیست. در مورد مسئولیت اطفال یا به عبارت دیگر مسئولیت کیفری اطفال بزهکار در سطح بین‌المللی، قواعدی وضع شده که بیانگر سن مسئولیت کیفری آنان است. معاهده حقوق کودک برای دولت‌های عضو مقرر می‌نماید که جهت گسترش و ارتقاء وضع قوانین مقررات و موسساتی که به ویژه مربوط به کودکان متهم و یا مجرم هستند، حداقل سن را برای اطفال قائل شوند. به نحوی که زیر این سن کودک به لحاظ نقص قانون کیفری فاقد مسئولیت کیفری

در نظام‌های حقوقی که مفهوم سن مسئولیت کیفری برای نوجوانان را پذیرفته‌اند شروع آن سن نباید در سطح سنی بسیار پایین باشد و باید واقعیت‌های مربوط به بلوغ عاطفی، ذهنی و عقلی مد نظر باشد. حد اقل سن مسئولیت کیفری بر حسب تاریخ و فرهنگ متفاوت است. در رویکرد جدید باید این نقطه را در نظر گرفت که آیا کودک می‌تواند مؤلفه‌های اخلاقی و روانی مسئولیت کیفری را رعایت و بر طبق آن‌ها زندگی کند، یعنی آیا کودک را به اعتبار قوه تشخیص و نیروی درک فردی وی، می‌توان مسئول رفتار ذاتا ضد اجتماعی دانست. اگر سن مسئولیت کیفری در سطح بسیار پایین تثبیت شود و یا اگر اصولاً حد سنی پایین تر هم وجود نداشته باشد مفهوم



مسئولیت کیفری بی معنا خواهد شد.

به طور کلی میان مفهوم مسئولیت در برابر رفتار بزهکارانه یا مجرمانه و سایر حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی (از قبیل موقعیت زناشویی، سن قانونی مدنی و غیره) رابطه‌ای نزدیک وجود دارد. پس باید برای تعیین پایین‌ترین محدوده سنی معقول که از لحاظ بین‌المللی قابل اجرا باشد، توافق حاصل گردد. (Bejin rules article (۱\_۴) and commentary).

گردآوری آمار در مورد حداقل سن مسئولیت کیفری در هر کشور دشوار است بویژه، ممکن است یک «سن»، سن دیگری را مخفی دارد. به بیان دیگر، حد رسمی سن مسئولیت کیفری ممکن است پایین‌ترین سن نباشد که کودک در صورت رسیدن به آن به دلیل ارتکاب به عمل خلاف، با نظام قضایی برخورد می‌یابد. مثلاً در فرانسه که حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۳ سال است، کودکان ۱۰ سال و ۱۲ ساله هم ممکن است ناگزیر از حضور در برابر قاضی دادگاه اطفال شوند که البته در این شرایط قاضی فقط می‌تواند به صدور دستور اقدامات آموزشی و مراقبتی از جمله آزادی به قید التزام (در صورتی که تشخیص دهد کودک در معرض خطر قرار دارد)، مبادرت ورزد. به همین نحو، برخی از کشورها از سیستم موسوم به «نظام مرحله‌ای یا پله ای» استفاده می‌کنند که بر اساس آن برای گروه‌های سنی متفاوت، اقدامات متفاوتی در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال در اردن که مسئولیت کیفری از ۷ سالگی آغاز می‌شود متخلفان زیر ۱۲ سال در اصل فقط در معرض محکومیت بر نظارت و اقداماتی در زمینه مراقبت رفتاری قرار دارند. در برخی جوامع محدودیت سنی معین نشده و سن مسئولیت کیفری از بدو تولد آغاز می‌شود. در جامعه‌ای که حداقل سن مسئولیت کیفری مشخص شده است، تفاوت‌های موجود بین کشورهای مختلف واقعاً حیرت‌آور است. کمیته حقوق کودک در بخش ملاحظات نهایی پیرامون گزارش‌هایی دولت‌ها به مطلوبیت تعیین بالاترین سن ممکن به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری اشاره دارد. به ویژه این کمیته از کشورهایی انتخاب می‌کند که سن مزبور را حدود ۱۰ سال یا کمتر تعیین کرده‌اند.

باید یادآور شد که سن تعیین شده هرگز به خودی خود نشانگر نحوه رفتار با کودکی

که مرتکب خلاف شده است نمی‌باشد. مثلاً در اسکاتلند که سن مسئولیت کیفری در میان پایین‌ترین موارد بررسی (یعنی ۸ سال)، قرار دارد، سیستم حضور افراد در محاکم به گونه‌ای طراحی شده است که از تماس نوجوان زیر ۱۶ سال (در واقع بسیاری از افراد ۱۶ تا ۱۷ سال) با محاکم رسمی قضایی مگر در مورد جرایم بسیار سنگین اجتناب می‌شود و به شکل بنیادی به راه‌حلهایی غیر از سلب آزادی متهم گرایش دارد. در مقایسه در رومانی که سن مسئولیت کیفری از ۱۴ سالگی آغاز می‌شود کودکی که به آن سن رسیده باشد عملاً به دادگاه آورده شده و مانند بزرگسالان برای جرم مشابه ممکن است محکوم به حبس شود. یا در گواتمالا که سن مسئولیت کیفری ۱۸ سال است، این امکان وجود دارد که متخلفان زیر ۱۸ سال به دوره‌های طولانی اقامت در موسسات اجتماعی - آموزشی محکوم شوند. در مجموع سن مسئولیت کیفری به خودی خود، نمایانگر اتخاذ دیدگاهی مبتنی بر بازپروری یا برعکس، گرایش به سرکوبگری از سوی مقامات نمی‌باشد. (ابو جنتی دیجست، همان مأخذ ص ۹).

آنچه که حائز اهمیت است در نظر گرفتن یحک حد فاصل بین سن بلوغ و سن مسئولیت کیفری تام می‌باشد، به این صورت که سن بلوغ و سن مسئولیت کیفری نباید منطبق بر هم واقع گردد، زیرا سن بلوغ وقتی در نظر گرفته می‌شود که تغییرات جسمی و روحی در طفل پدیدار می‌گردد و در بیشتر این موارد شروع این تغییرات شروع سن بلوغ است و با وجود چنین وضعیتی که در طفل ایجاد می‌گردد، نوعی تغییر در کردار، پندار و رفتار او پدید می‌آید. شاید بتوان گفت که ابتدای بلوغ، ابتدای تغییر رفتارهای عادی طفل به رفتارهای تنش‌زا، نامعمول و حتی سوء است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که قبل از سن بلوغ اصولاً اطفال مرتکب جرم نمی‌شوند و با شروع این سن پا به عرصه بزهکاری می‌نماید. به این دلیل روانشناسان به جای لفظ دوره بلوغ و نوجوانی از لفظ بحران بلوغ و نوجوانی استفاده می‌کنند. بنابراین اگر بخواهیم همین سن را شروع سن مسئولیت کیفری تام بدانیم، شاید تا حدودی نظریات پزشکی و روانپزشکی و همچنین واقعیت‌های اجتماعی نادیده گرفته شود. در نتیجه به نظر می‌آید که حد فاصل بین سن بلوغ طفل و سن مسئولیت کیفری تام، بهترین زمان برای ارایه اقدامات اصلاحی و تربیتی است و شاید به این نحو بتوان

برای پیشگیری از بزهکاری اطفال گام‌های مؤثری برداشت. مسئولیت کیفری باید مسئولیت تدریجی باشد و باید توجه نمود که مسئولیت کیفری جهشی (مطابقت سن بلوغ با سن مسئولیت کیفری) موافق با معیارهای بین‌المللی نیست.

#### ۴. نتیجه گیری

۱- مسئولیت عبارت است از رسیدن به حد کمال جسمی و فکری که علت یک عامل داخلی مختل نشده باشد، در حالی ممکن است رشد جسمی و فکری مرتکب الزاماً مترادف با مسئولیت نباشد.

مسئولیت کیفری گاهی مبتنی بر خطا و تقصیر مرتکب است که مجازات را در پی دارد و گاهی مبتنی بر خطرناک بودن مجرم است که مستوجب اقدامات تأمینی خواهد بود. مسئولیت کیفری امری جدا از عناصر عمومی جرم (عناصر قانونی، مادی و معنوی) است. بنابراین شخص ممکن است جرمی را با همه عناصر آن انجام دهد اما مسئولیت کیفری نداشته باشد مثلاً طفل ممیزی که مرتکب سرقت می‌شود، عمل ربودن مال غیر را انجام داده است و عمل او از نظر قانون جزا، جرم است و ارادی هم می‌باشد اما از آن جا که طفل، فاقد قدرت تشخیص است مسئولیت کیفری ندارد و در عمل انجام شده به عنوان جرم، نقصی وجود ندارد بلکه نقص، مربوط به مرتکب جرم است.

اسلام در خصوص مسوولیت کیفری نیز در دیدگاهی واقع بینانه شروطی را برای تحقق آن پیش بینی کرده است که در صورت فقدان هر یک از آن‌ها مسوولیت کیفری منتفی می‌خواهد گردید، یا با وجود مسوولیت کیفری در مواردی، مجازات با مانع برخورد نموده، اعمال نخواهد شد.

از دیدگاه اسلام بلوغ و عقل و علم و آگاهی، اراده آزاد و اختیار، هوشیاری و بیداری، مهم ترین شرط‌های تحقق مسوولیت کیفری هستند؛ بنابراین، انسان صغیر (طفل و کودک‌ان)، مجنون... هرگز مسوولیت کیفری ندارند و قابل مجازات نیستند.

در کود جزای افغانستان و قانون مجازات اسلامی برخورد قانونگذار از لحاظ

نوعیت جرم و سن متخلف متفاوت است. چنانکه کود جزای افغانستان افراد زیر ۱۲ سال را فاقد مسئولیت کیفری و اطفال نوجوان بالا ۱۲ سال را دارای مسئولیت کیفری شناخت است اما قانون مجازات اسلامی دختران که ۹ سال و پسران که ۱۵ سال قمری را تمام نکرده باشد، فاقد مسئولیت کیفری و از ۱۵-۱۸ سال را دارای مسئولیت کیفری شناخته است.

## ۵. منابع

۱. اردبیلی، محمد علی، جامعه‌شناسی جنایی، تهران: معاونت آموزش دانشگاه آزاد اسلامی.
۲. حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، با دیباچه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی. تالیف، مریم عباچی
۳. زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی، ج ۱، چ اول، نشر تهران ققنوس، ۱۳۸۵.
۴. شامبیاتی، هوشنگ، بزه‌کاری اطفال و نوجوانان، تهران، چاپ کیان، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۵. ....، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، مجد، ۱۳۹۲.
۶. شمس ناتری، محمد ابراهیم، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چ اول، تهران نشر میزان ۱۳۹۲.
۷. فرزین راد، رویا، تبیین حقوقی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان و نگرشی بر کارکرد پلیس ایران، فصلنامه دانش انتظامی، اول، نهم
۸. قانون رسیدگی به تخلفات اطفال مصوب ۱۳۹۳.
۹. قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲.
۱۰. قیاسی جلال الدین و دیگران، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی، ج ۱، چ ۴، قم. سبحان .
۱۱. کود جزای افغانستان مصوب ۱۳۹۶.
۱۲. موفق علی عبید، المسؤولية الجزائية لاطلباء، دار الثقافة والنشر والتوزيع.

13. Convention on the rihts of the child,articl (40)3.

14. Convention on the rights of the child, article 3(4).

15. Beinnin rules article 1(4) and (commentary)